

بررسی سیر تحول روستاهای خوابگاهی در شرق کلان‌شهر تبریز

محمد ظاهری^۱

ناهدید کارگر^۲

چکیده

تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین شهرها با نواحی پیرامونی و از آن جمله نواحی روستایی واقع در حوزه نفوذ آن‌ها، به مرور منجر به تغییرات مختلف در عرصه‌های گوناگون آن‌ها می‌گردد. از جمله این پدیده‌ها تحرکات مکانی جمعیت به صورت مهاجرت شهری- روستایی است. بدیهی است که این حجم مهاجران اثرات زیادی بر ساختارهای جمعیتی، اقتصادی و حتی کالبدی روستاها خواهند داشت. در مطالعه حاضر، علاوه بر بررسی روند تحولات ساختار جمعیتی، اقتصادی و کالبدی آن تعداد از سکونتگاه‌های روستایی واقع در شرق تبریز که در جریان چنین تحرکاتی قرار گرفته و ویژگی خوابگاهی به خود گرفته‌اند، ریشه‌یابی علل این شکل‌گیری نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. اساس مطالعه مبتنی بر مطالعات میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه‌های مختلف و مصاحبه با صاحب‌نظران) می‌باشد. جهت تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار آماری SPSS و از روش‌های آماری f .statistics و χ^2 بهره گرفته می‌شود. نتایج بررسی‌ها نشان داد که روابط متقابل فضایی و نیز عملکردی موجود بین کلان‌شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه، نقش عمده‌ای در تحولات جمعیتی، اقتصادی و کالبدی روستاها داشته است. در این میان گسترش لجام گسیخته شهر تبریز و وجود مشکلاتی چون بالا بودن هزینه‌های زندگی و مشکلات معیشتی، گرانی زمین و مسکن، آلودگی بیش از حد هوا به‌عنوان عوامل دافع و در مقابل ارزانی زمین و مسکن، پاکیزگی هوا در روستاها، وجود تسهیلات حمل و نقل و جاده‌های ارتباطی مناسب در روستاهای مورد مطالعه به‌عنوان عوامل جاذب عمل کرده و بخشی از شهرنشینان را به سکونت در روستاهای مزبور سوق داده است.

واژگان کلیدی: روستاهای خوابگاهی، مهاجرت شهری- روستایی، کلان‌شهر تبریز.

مقدمه

کلان‌شهرها به جهت برخورداری از کارکردهای بسیار متعدد دارای روابط و پیوندهای قوی با نواحی پیرامونی و بالاخص روستاهای حوزه نفوذ خود بوده و این ارتباط تأثیرات عمیقی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی کالبدی روستاها برجا می‌گذارد. البته این تأثیرگذاری جنبه‌های منفی و مثبت می‌تواند داشته باشد یکی از پدیده‌هایی که در خصوص ارتباط متقابل کلان‌شهرهای ایران و روستاهای پیرامونی آن‌ها مطرح است، تحرک مکانی جمعیت به صورت مهاجرت شهری- روستایی است. به احتمال زیاد وجود مشکلات و معضلات عدیده موجود در کلان‌شهرها (اعم از گرانی زمین و مسکن، آلودگی بیش از حد هوا و سایر عوامل) به‌عنوان عوامل دافعه، و در مقابل ارزانی زمین و مسکن و پاکیزگی هوا و... در مناطق روستایی به‌عنوان عوامل جاذبه عمل کرده و شهرنشینان را به‌صورت خودجوش به سکونت در روستاهای پیرامون سوق می‌دهند.

به‌طور کلی "تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهان طی سده‌های اخیر به‌ویژه در زمینه افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی، توسعه راه‌های ارتباطی و وسایل حمل و نقل، افزایش اوقات فراغت و بهبود رفاه اجتماعی منجر به توسعه گردشگری در نواحی روستایی یا گردشگری روستایی شده است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۵۹). گفتنی است تمامی عواملی که در گسترش گردشگری روستایی نقش داشته‌اند، در شکل‌گیری خانه‌های دوم نیز مؤثر بوده‌اند (Pacion, 1985: 185). نکته قابل ذکر دیگر این‌که، گردشگری خانه‌های دوم به‌عنوان واکنشی در برابر بحران روستایی حاصل از تجدید ساختار کشاورزی در حال گسترش است (Dieter, 2002: 243). لازم به ذکر است، گاه برخی از نواحی روستایی به اختیار و برای گریز از مشکلات و بالاخص مشکلات اقتصادی خود به دیگر فعالیت‌های اقتصادی روی می‌آورند به‌عنوان مثال: نواحی روستایی در حال اضمحلال آمریکا برای ادامه حیات خود در تکاپوی جایگزینی فعالیتی به‌جای فعالیت‌های کشاورزی خود هستند. برخی از آن‌ها فعالیت در زمینه گردشگری روستایی را به‌عنوان راه گریز انتخاب کرده‌اند (Ozguç, 2003: 138).

خانه‌های دوم را نه به‌عنوان پدیده‌ای جداگانه بلکه باید به‌عنوان بخشی از سیستم شهری

در نظر گرفت. در این رابطه مرسر^۳ (۱۹۷۰) معتقد است که خانه‌های دوم را باید به‌عنوان گسترش اکولوژیکی بسیار تخصصی شهر و به مثابه بخشی از فضای شهری در نظر گرفت. در مقابل راجرز^۴ (۱۹۷۷) خانه‌های دوم را از عناصر اقتصادی شهر-منطقه در نظر می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۲: ۶۲). ساخت "خانه‌های دوم" و یا "خانه تعطیلات" در جهان بسیار متداول بوده و بیش‌تر در کشورهای اسکانندیناوی مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال از هر چهار خانوار سوئدی یک خانوار دارای "خانه دوم" می‌باشد. با بالا رفتن میزان درآمد در کشورهای در حال توسعه این امر روز به روز متداول خواهد شد (Ozguç, 2003: 138). بدیهی است که این حجم مهاجران اثرات زیادی روی ساختارهای جمعیتی، اقتصادی و حتی کالبدی روستاها خواهند داشت. شناخت دقیق و چگونگی مواجهه با آن‌ها به‌ویژه در برنامه‌ریزی‌های مربوط به توزیع جمعیت و توسعه منطقه‌ای با توجه به نیازها و خواسته‌های مهاجران لازم و ضروری است. در مطالعه حاضر، به بررسی روند تحولی ساختار جمعیتی، اقتصادی و کالبدی روستاهای خوابگاهی واقع در شرق تبریز (روستاهای کرکج، نعمت‌آباد، کندرود) پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

شکل‌گیری آبادی‌های خوابگاهی و یا تغییر کارکرد تدریجی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهرها به کارکرد مزبور، ارتباط تنگاتنگی با نواحی شهری دارد، لذا مطالعات صورت گرفته در این زمینه نه به‌صورت مجرد بلکه در قالب روابط متقابل عملکردی شهر و روستا انجام پذیرفته است و بر این اساس، در برخی از مطالعات صورت گرفته جسته و گریخته به موضوع تغییرات عملکردی سکونتگاه‌های واقع در پیرامون شهرها و از آنجمله آبادی‌های خوابگاهی^۵ پرداخته شده است.

لیو^۶ و همکاران (۲۰۰۳) در بسیاری از نقاط جهان، چشم‌اندازهای روستایی توسط انسان‌ها به‌شدت مورد استفاده و تغییر قرار می‌گیرند. کالاها و خدمات ارائه شده در این

3- Mercer

4- Regers

5- Dormitory settlement

6- Liu

مناطق، از جمله محصولات کشاورزی، زیستگاه حیات وحش، و حفاظ و نگهداری کیفیت آب و خاک همه برای رفع نیازهای انسان می‌باشد. در سطح جهان تعداد خانوارها در مناطق روستایی رو به افزایش بوده و نقش روستایی نیز متحول شده است.

رودزیتس^۷ (۱۹۹۹) و دانیلز^۸ (۱۹۹۹) چنین مواردی در ایالات متحده، که در آن زمین‌های روستایی هستند که به سرعت در حال تبدیل شدن به سکونتگاه‌های خوابگاهی می‌باشند. برای بازنشستگان آمریکایی، کارآفرینان و کسانی که به دنبال سبک زندگی در شهرهای کوچک هستند. مناطق روستایی به حومه شهر تبدیل شده و مناظر طبیعی از بین رفته و کارکرد روستا تغییر یافته است.

نظریان (۱۳۷۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری» و نیز رهنمایی، ۱۳۶۹ در مقاله «توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف» گسترش انفجارگونه و لجام گسیخته شهر تهران را سبب نابودی روستاهای اطراف و از بین رفتن فضای زیستی و گذران اوقات فراغت جمعیت پایتخت‌نشین قلمداد می‌کنند. سلیمانی، ۱۳۸۱ در مقاله خود تحت عنوان «دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی» به این موضوع اشاره دارد که تجمع واحدهای صنعتی در نزدیکی یا در حوزه نفوذ شهرها و مجتمع‌های زیستی موجود، همواره دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و تغییرات کالبدی - فضایی و زیست محیطی در مقیاس محلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است که این تغییرات از یک سو تابع ویژگی‌های محیطی و توان طبیعی و مقتضیات تاریخی و اقتصادی - اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر کشور و منطقه است و از سوی دیگر به اهداف اندازه و کارکرد و به‌ویژه الگوی مکان‌یابی مجتمع‌ها و شهرهای جدید در فضا باز می‌گردد.

7- Rudzitis

9- Daniels

بحرینی (۱۳۸۱) به ضرورت حفظ اراضی مستعد کشاورزی به عنوان یکی از مهم ترین منابع طبیعی و ممانعت از تجاوز ساخت سازها به اراضی مرغوب و حاصل خیز تأکید دارد و به توسعه غیراصولی شهرها و به ویژه کلان شهرها و بالاخص در کشورهای در حال توسعه به عنوان عوامل تهدیدکننده در خصوص نابودی منابع طبیعی و از آنجمله، اراضی مستعد زراعی اطراف شهرها اشاره می کند.

نظری (۱۳۷۷) در گسترش فیزیکی - کالبدی سکونتگاه های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی به این نکته اشاره دارد که هر چند روند شتابان شهرنشینی و پیامدهای مختلف آن به ویژه گسترش فیزیکی شهرها و بلعیدن اراضی زراعی پیرامون با عنایت به پدیده مهاجرت های روستایی در سطح کلان ملی از اهمیت والایی برخوردار می باشد، لیکن نباید از اهمیت این مسئله در نقاط روستایی غافل بود. هر چند ممکن است نمودهای عینی گسترش فیزیکی روستا به سبب کم جمعیت بودن و پراکندگی آن بسیار بطئی و کند بوده و چندان به چشم نیاید، اما به دلیل تعدد این نوع سکونتگاه ها در کشورمان (بالغ بر ۶۰ هزار)، به ویژه در دشت ها و جلگه های هموار که در فواصل اندکی از هم قرار گرفته اند خواه و ناخواه از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهند بود.

افتخاری (۱۳۸۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی (UFRD) و مدل های تخصیص مکانی (LA)»^۱ به این نتیجه رسیده است که رویکرد کارکردهای شهری و مدل های تخصیص مکانی در ماهیت و حوزه عمل متفاوت هستند و به مسایل و موضوعات گوناگون می پردازند. کارکردهای شهری در توسعه روستایی به چگونگی یکپارچه کردن خدمات و زیرساخت ها، با هدف تقویت نقش شهرک ها و بازارها به منظور تسهیل توسعه اقتصاد منطقه ای، می پردازد؛ حال آن که مدل های تخصیص مکانی با نحوه به حداکثر رساندن دسترسی به خدمات و تسهیلات خاص برای بخشی از جمعیت روستایی، سروکار دارد.

شهرگرایی روستا

شهرگرایی حومه‌ها و نواحی روستائی فرایندی اجتماعی است که شامل گسترش ایده‌ها و شیوه‌های زندگی شهری در نواحی روستائی می‌باشد و مشخص‌ترین حالت آن، حرکت جمعیت از شهرها به نواحی روستائی است. این پدیده که ناشی از گسترش روابط شهر و روستا می‌باشد، می‌تواند از طریق شکل‌گیری و گسترش کارکردهای تفریحی و سکونتی در نواحی روستائی بوجود آید. در این حالت، علیرغم وجود مرز فیزیکی مشخص در کاربری اراضی شهری و روستائی، شهرگرایی باعث می‌شود که حتی در کشورهای دارای قوانین برنامه‌ریزی محکم، تمایز شهر و روستا از لحاظ عملکرد و نیز اجتماعی کم‌رنگ شود (Pacion, 1985: 183-185). افزایش وابستگی‌های شهر و روستا از جمله عواملی است که می‌تواند طبیعت روستا را با دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی روبرو کند و به تدریج تغییرات عدیده‌ای را بر روستا تحمیل نماید (Hall & Page, 2002: 220).

ارتباط اقتصادی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کارکردی سکونتگاه‌های روستائی همانا ارتباط اقتصادی آن‌ها با جوامع شهری است. گفتنی است تفاوت‌های مکانی منابع اقتصادی موجب اختلاف در چشم‌اندازهای شهری و روستائی شده و در این رابطه هر یک از شهرها و روستاها بافت اقتصادی خاص منطقه‌ای خود را گرفته و نقش و عملکرد خود را نیز از همان شرایط باز یافته است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۱۴۳). به‌طور کلی توسعه شهرها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در روستاهای مجاور خود تأثیر گذارند که این امر خود خواه ناخواه در کارکردهای آن‌ها نیز تأثیرگذار خواهد بود. افزایش تقاضا برای تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی، شدت کاربری زمین و برگشت سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی به حوزه‌های اطراف شهرها از آن جمله‌اند (شکویی، ۱۳۷۹: ۲۹۸). در مناطق روستائی کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر و در راستای تنوع بخشی به اشتغال روستائی^{۱۱}، جریان عمده‌ای که مشهود است همانا

انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیرکشاورزی است. این جریان به دو شکل صورت می‌گیرد:

الف) شکل اول همراه است با انتقال نیروی کار از مناطق روستایی به مناطق شهری که موجب بروز مشکلات عدیده هم در مناطق روستایی و هم در مناطق شهری شده است (تودارو، ۱۳۷۸).

ب) شکل دوم، انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش‌های غیر کشاورزی در خود روستا و مناطق روستایی صورت می‌گیرد که موجب متنوع شدن اشتغال و فعالیت‌های روستایی می‌گردد (صدر موسوی، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

ارتباط فیزیکی

در حال حاضر، گسترش راه‌ها و وسایل ارتباطی به ارتباط تنگاتنگ شهر و روستا و به تأثیر متقابل این دو واحد جغرافیایی در هم انجامیده و سیمای نوینی از ساختار سکونتگاه انسانی به نام روستا شهرها (RURBAINES) شکل گرفته است. در این فضاها ویژگی‌ها و فعالیت‌های شهری و روستایی درهم آمیخته است. در این واحدهای جغرافیایی مهاجرت روزانه جمعیت که فعالیت‌های غیرکشاورزی را تعقیب می‌کنند در سطح بالا است و نرخ رشد جمعیت رقم بالنسبه قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. بدیهی است در کشورهای جهان سوم، روستاهایی که در میدان عمل و رشد شتاب‌آلود شهرها قرار می‌گیرند، در زمانی کوتاه بر اثر چنگ‌اندازی شهریان نه تنها با تغییر سیما و نقش خود به بخشی از نیازهای جامعه شهری پاسخ می‌دهند، بلکه خود به شهری تمام عیار، با همه نتایجی که از چنین رشد شتابان شهری متصور است، درمی‌آیند (فرید، ۱۳۷۹: ۳۷۷-۳۷۶). و بر این اساس است که امروزه، شهرنشینان و شهرسازان مطالعات خود را منحصراً روی فضای ساخته شهرها انجام نمی‌دهند بلکه بررسی خود را به سوی روستاهایی که زیر آوارهای شهر به سادگی خرد و سپس بلعیده می‌شوند، گسترش می‌دهند (Bonnamour, 1973).

تحرک جمعیتی

از جمله عوامل مؤثر در ایجاد روابط متقابل شهر و روستاست. چرا که، در یک ناحیه جغرافیایی، تحرک‌های جمعیتی، چه از طریق مهاجرت‌های دائمی و چه از طریق آمد و شدهای روزانه بین محل مسکونی و محل کار، باعث تشکیل ارتباط فضایی بین شهر و حوزه‌های روستایی می‌شود. در صورت دسترسی به اشتغال دایم و مزد بیش‌تر در شهر، امکانات تحصیل و دسترسی به خدمات عمومی، مهاجرت‌های دائمی صورت می‌گیرد (شکویی، ۱۳۷۹: ۲۷۲). هر چند شکل مسلط مهاجرت‌های داخلی، عمدتاً مهاجرت روستا - شهری است، لذا در سال‌های اخیر نتایج سرشماری‌های برخی از کشورها، به ظهور روند جدید مهاجرت داخلی که عمدتاً تحت عنوان برگشت جمعیت یا جریان ضدشهرنشینی (Counter-Urbanisation) نامیده می‌شود، اشاره داشته‌اند (Berry, 1979: 18). به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا که از بالاترین درصد شهرنشینی و تحرک جمعیتی (شهر به شهر و یا از شهر به روستا) برخوردار می‌باشد، خانوارها هر پنج سال یکبار تغییر مکان می‌دهند (طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹ ۴۳/۴ میلیون نفر جابه‌جا شده‌اند (Tumertekin, 2004: 259).

مواد و روش‌ها

در مطالعه حاضر جهت بررسی و بیان روابط موجود بین متغیرهای تحقیق "روش توصیفی - تحلیلی" و برای بررسی آثار پیشین و تغییرات و تحولات صورت گرفته از روش "اسنادی" استفاده می‌شود. به لحاظ هدف نهایی، مطالعه از نوع کاربردی است، چرا که هدف از انجام آن، شناخت تغییرات کالبدی، جمعیتی و اقتصادی به منظور ارائه راه‌حل بهینه می‌باشد. اساس مطالعه مبتنی بر مطالعات میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه‌های مختلف و مصاحبه با صاحب‌نظران) بوده و واحد اصلی تحلیل را نیز روستا تشکیل می‌دهد. پس از انجام مطالعات مقدماتی در خصوص روستاهای حوزه نفوذ شهر تبریز، و بررسی نتایج سرشماری‌های مربوط به سال‌های مختلف، از میان آن تعداد از روستاهایی که دارای بیش‌ترین تعداد درون کوچی بودند، سه روستای واقع در شرق کلان‌شهر تبریز (روستای کرکج، نعمت‌آباد، کندرود) برای مطالعه انتخاب شدند. گفتنی است علت اصلی انتخاب سه

روستای مزبور علاوه بر برخورداری از تعداد درون کوچن بیش تر، افزایش قابل توجه جمعیت آن‌ها در سال‌های اخیر در مقایسه با دیگر روستاهای واقع در این منطقه بوده است. نمونه آماری بر اساس فرمول معتبر کوکران برآورد شده است. خانوارهای نمونه با استفاده از شیوه نمونه‌گیری سیستماتیک و با توجه به اهداف مطالعه، عمدتاً از بخش‌هایی که در سال‌های اخیر توسعه یافته‌اند انتخاب می‌گردند. چرا که مطالعات مقدماتی نشان داد که درون کوچن اغلب در حواشی و بیرون از بافت قدیمی روستاها اسکان یافته‌اند. پس از انجام مطالعات میدانی، جمع‌آوری داده‌ها و پردازش آن‌ها، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های آماری توصیفی شامل توزیع فراوانی و جداول و در بخش استنباطی با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرها از آزمون آماری کای اسکوار (K-Square, F-Statistics و ...) و از نرم‌افزار آماری SPSS ۱۶ استفاده شده است (جدول ۱).

جدول (۱) تعداد خانوار و توزیع درصد خانوارهای نمونه به تفکیک آبادی‌های مورد مطالعه

نام روستا	تعداد خانوار	تعداد خانوار نمونه	درصد خانوار نمونه
کرکج	۱۸۱۱	۷۰	۳۹/۱
کندرود	۱۹۰۸	۷۸	۴۳/۵۸
نعمت آباد	۶۳۲	۳۱	۱۷/۳۲
جمع	۴۳۵۱	۱۷۹	۱۰۰

مشخصات عمومی منطقه مورد مطالعه

روستای مورد مطالعه (کرکج، نعمت‌آباد و کندرود) در استان آذربایجان شرقی، در شرق شهرستان تبریز و در دهستان میدان چای قرار گرفته‌اند.

موقعیت جغرافیایی هر یک از روستاها به شرح ذیل می‌باشد

روستای کرکج: این روستا در شهرستان تبریز و جزو دهستان میدانچای بوده و در ۷ کیلومتری تبریز قرار گرفته است. روستای نعمت‌آباد: در شهرستان تبریز، دهستان میدانچای و در فاصله ۹ کیلومتری شهر تبریز قرار گرفته است. روستای کندرود: این روستا از نظر تقسیمات کشوری، مرکز دهستان میدانچای بوده و تقریباً در ۱۲ کیلومتری شرق تبریز واقع

شده است. این روستا از نظر وضعیت طبیعی در کنار رودخانه مهران رود و در ارتفاع حدود ۱۶۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد واقع شده است.

یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های جمعیتی روستاهای مورد مطالعه

نتایج حاصل از بررسی آمارهای سرشماری‌ها نشان می‌دهد که جمعیت ساکن در روستاهای مورد مطالعه پیوسته از روند صعودی برخوردار بوده و شدت این افزایش در فاصله سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵ بیش‌تر از سال‌های قبل بوده است (جدول ۲).

جدول (۲) تحولات جمعیتی در روستاهای مورد مطالعه طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۴۵

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	جمعیت و خانوار	آبادی‌ها
۷۷۷۳	۴۰۱۶	۱۷۲۲	۸۰۷	۶۱۰	جمعیت	کرکج
۱۸۱۱	۸۴۷	۳۰۲	۱۴۴	۱۰۲	خانوار	
۴/۳	۴/۷	۵/۷	۵/۶	۶/۰	بعدخانوار	
۷/۳	۸/۸	۷/۸	۲/۸	-	نرخ رشد	
۷۹۵۹	۴۲۶۷	۲۸۶۰	۱۷۶۰	۱۳۴۰	جمعیت	کندرود
۱۹۰۸	۹۰۱	۵۳۳	۳۰۶	۲۲۶	خانوار	
۴/۲	۴/۷	۵/۳	۵/۷	۵/۹	بعدخانوار	
۷/۲	۴/۰	۵/۰	۲/۷	-	نرخ رشد	
۲۴۵۹	۱۱۸۱	۹۶۵	۷۱۷	۶۴۸	جمعیت	نعمت آباد
۶۳۳	۲۵۷	۱۹۰	۱۲۶	۱۲۱	خانوار	
۳/۹	۴/۶	۵/۱	۵/۶	۵/۳	بعدخانوار	
۷/۱	۲/۰۴	۳/۰۱	۱/۰۲	-	نرخ رشد	

ماخذ: نتایج سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵-۱۳۴۵)

مهاجرفرستی و مهاجرپذیری روستاهای مورد مطالعه

به استناد آمار موجود در خانه بهداشت روستاهای مورد مطالعه، طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۰ تعداد مهاجردهی و مهاجرپذیری روستاها به ترتیب در روستاهای کرکج ۲۳۶ و ۷۳۶ (۸۵-

۱۳۷۴)، کندرود ۶۸۸ و ۱۸۷۷ (۸۵-۱۳۷۴) و نعمت‌آباد ۱۲۱۴ و ۱۶۳۸ (۸۵-۱۳۷۴) گزارش گردیده است که این امر حکایت از مهاجری‌پذیری روستاهای مورد مطالعه دارد.

جدول (۳) وضعیت مهاجرفرستی و مهاجری‌پذیری روستاهای مورد مطالعه (۱۳۸۵-۱۳۷۰)

روستاها	سال	وضعیت مهاجرت											
		۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۵	
کرکج	مهاجرفرستی	-	۷	۷	۱۳	۱۶	۳۵	۲۳	۲۸	۲۷	۴۳	۱۹۳	۴۰۲
	مهاجری‌پذیری	-	۱۴	۲۰	۳۶	۵۹	۱۰۷	۱۷۰	۲۰۷	۱۸۹	۲۲۴	۵۱۲	۱۵۲۸
کندرود	مهاجرفرستی	۲۴	۸۷	۳۵	۲۳	۲۸	۳۲	۵۰	۴۴	۱۵۰	۳	۱۳۴	۵۸۷
	مهاجری‌پذیری	۱۴۸	۱۲۵	۱۰۲	۱۳۸	۱۴۲	۱۸۹	۳۷۶	۳۰۶	۳۰۰	۲۶۵	۳۵۷	۲۱۷۵
نعمت‌آباد	مهاجرفرستی	۱۰۳	۱۳۲	۶۶	۹۱	۹۵	۱۲۵	۱۷۹	۱۶۶	۱۷۸	۱۲۶	۱۵۴	۱۲۱۴
	مهاجری‌پذیری	۱۱۸	۱۱۳	۱۰۹	۱۶۹	۱۷۷	۲۱۶	۲۹۳	۲۷۰	۲۴۴	۲۴۸	۳۹۹	۱۴۰۷

مأخذ: خانه بهداشت روستاها

در خصوص علل اصلی مهاجرت به روستاها، می‌توان به مواردی چون، نزدیکی به کلان‌شهر تبریز و ارتباط تنگاتنگ با آن، ارزانی زمین و مسکن در آن‌ها در مقایسه با شهر تبریز و نزدیکی به محل کار و فعالیت اشاره کرد. اغلب مهاجرت‌ها به روستا به صورت جمعی و خانوادگی بوده است.

وضعیت مهاجرت خانوارهای مورد مطالعه (درون کوچان)
تعداد مهاجران (درون کوچان)

نتایج بررسی نشان می‌دهد که از کل خانوارهای مورد مطالعه، ۶۷/۰۴ درصد (۱۲۰ خانوار) جزو خانوارهای درون کوچ بشمار می‌روند، این تعداد خانوار به تدریج به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده و در آن اسکان یافته‌اند. میزان درون کوچان در روستای کندرود ۷۱/۸، روستای کرکج ۶۴/۳ و در روستای نعمت‌آباد ۶۱/۳ درصد می‌باشد نکته قابل ذکر این‌که نوع و وضعیت مهاجرت ۱۰۰ درصد درون کوچان جمعی و نیز قطعی داریم می‌باشد (جدول ۴).

جدول (۴) توزیع درصد سرپرستان خانوار بر اساس وضعیت اسکان به تفکیک روستاهای مورد مطالعه

وضعیت اسکان	روستاها	کرکج		کندرود		نعمت آباد		جمع کل	درصد
		فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد		
بومی		۲۵	۳۵/۷	۲۲	۲۸/۲	۱۲	۳۸/۷	۵۹	۳۲/۹۶
درون کوچ		۴۵	۶۴/۳	۵۶	۷۱/۸	۱۹	۶۱/۳	۱۲۰	۶۷/۰۴
جمع		۷۰	۱۰۰	۷۸	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۱۷۹	۱۰۰

مأخذ: مطالعات میدانی

مبدأ مهاجرت (درون کوچان)

بیش از ۵۳/۸ درصد کل خانوارهای درون کوچ (۱۷۹ خانوار) از کلان‌شهر تبریز به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده‌اند. سپس شهرهای بستان‌آباد، هشترو، مرند و ورزقان قرار دارند که به ترتیب با ۶/۷، ۵/۹، ۴/۵، ۲/۴ درصد، مبدأ مهاجرت درون کوچی را به خود اختصاص می‌دهند. حدود ۱۲/۵ درصد درون کوچان نیز از دیگر مناطق استان آذربایجان شرقی به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت نموده‌اند (جدول ۵).

جدول (۵) توزیع درصد سرپرستان خانوارها بر اساس مبدأ مهاجرت در روستای کرکج، کندرود و نعمت‌آباد

روستا	مبدأ مهاجرت	فرآوانی	درصد
کرکج	تبریز	۱۸	۴۰/۰
	مرند	۶	۱۳/۴
	هشترو	۳	۶/۷
	بستان‌آباد	۳	۶/۷
	ورزقان	۱	۲/۲
	خواجه دیزج	۱	۲/۲
	استان اردبیل	۲	۴/۴
	استان آذربایجان غربی	۱۱	۲۴/۴
	جمع	۴۵	۱۰۰
کندرود	تبریز	۲۱	۳۷/۵

	اهر	۵	۸/۹
	مرند، ملکیان، مراغه	۳ فراوانی هرکدام	۵/۴ درصد هرکدام
	بستان آباد، ورزقان، هشترود	۲ فراوانی هرکدام	۳/۶ درصد هرکدام
	بناب، سراب، آذرشهر، تسوج، صوفیان، باسمنج، عجبشیر	۱ فراوانی هرکدام	۱/۸ درصد هرکدام
	استان آذربایجان غربی	۳	۵/۴
	کشور آذربایجان	۱	۱/۸
	کشور افغانستان	۱	۱/۸
	جمع	۵۶	۱۰۰
نعمت آباد	تبریز	۱۴	۷۳/۷
	بستان آباد	۳	۱۵/۸
	استان تهران	۱	۵/۳
	استان آذربایجان غربی	۱	۵/۳
	جمع	۱۹	۱۰۰

مأخذ: مطالعات میدانی

ویژگی‌های اقتصادی سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه

از کل سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه ۸۸/۳ درصد (۱۵۹ نفر) شاغل و ۱۱/۷ درصد (۲۰ نفر) بقیه بیکار بوده‌اند. این سسهم در روستای کرکج به ترتیب ۸۷/۱ و ۱۲/۹ درصد، در روستای کندرود ۸۹/۷ و ۱۰/۳ درصد و در روستای نعمت آباد برابر ۹۰/۳ و ۹/۷ درصد می‌باشد (مطالعات میدانی).

شغل اصلی (فعلی)

در روستاهای مورد مطالعه تعداد شاغلان بخش خدمات در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی سهم قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. به طوری که شغل اصلی ۶۰/۷ درصد کل شاغلان را شامل می‌شود. کارگری (۲۷/۲ درصد)، رانندگی (۱۴ درصد)، مغازه‌داری (۲/۴ درصد)، واسطه‌گری (۴/۲ درصد) و کار دولتی (۳/۰ درصد) به ترتیب اهمیت

از جمله مهم‌ترین این فعالیت‌ها بوده است. بعد از بخش خدمات، بخش صنعت بیش‌ترین شاغلان را به‌خود جذب کرده است (مطالعات میدانی).

شغل اصلی (قبلی)

در روستاهای مورد مطالعه از کل سرپرستان خانوار (۱۷۹ نفر)، شغل قبلی ۱۸/۷ درصد در بخش کشاورزی، ۲۶/۹ درصد در بخش صنعت و ۵۴/۴ درصد در بخش خدمات بوده است. این میزان در روستای کرکج به‌ترتیب ۱۴/۸، ۲۷/۹ و ۵۷/۳ درصد، در روستای کندرود ۳۷/۲، ۲۴/۳ و ۳۸/۵ درصد و روستای نعمت‌آباد ۱۴/۳، ۳۲/۲ و ۵۳/۵ درصد بوده است.

تحولات و روند گسترش کالبدی روستاهای مورد مطالعه

کاربری اراضی و تغییرات صورت گرفته در آن‌ها

نتایج حاصل از مطالعات نشانگر این است که از میان انواع کاربری‌ها، کاربری مسکونی در تمامی روستاهای مورد مطالعه، بیش‌ترین میزان کاربری‌ها را به‌خود اختصاص داده و نسبت به دیگر کاربری‌ها تسلط دارد. از کل واحدهای مورد مطالعه ۹۳/۱ درصد کلاً دارای کاربری مسکونی بوده‌اند. در روستای کرکج ۹۱/۴ درصد، در روستای کندرود ۹۷/۴ درصد و در روستای نعمت‌آباد ۱۰۰ درصد واحدها دارای کاربری مسکونی می‌باشند (مطالعات میدانی).

تغییرات صورت گرفته در کاربری زمین واحدهای مورد مطالعه

بیش‌ترین تغییرات صورت گرفته عمدتاً در کاربری‌های زراعی و باغی بوده است. علت این امر نیز بالا رفتن قیمت زمین و انجام ساخت و سازهای زیاد در آن‌ها بوده است. از کل واحدهای مورد مطالعه به‌ترتیب ۱۲ و ۶ درصد دارای کاربری زراعی و باغی بوده‌اند. کاربری‌های مزبور عمدتاً به کاربری مسکونی تبدیل شده‌اند. به‌گونه‌ای که میزان کاربری مسکونی از ۷۷ درصد به ۹۵/۵۳ درصد تغییر پیدا کرده است. به‌طور کلی در ۳۶ واحد مورد مطالعه تغییرات کاربری صورت گرفته است (جدول ۶).

جدول (۶) توزیع درصد تغییرات صورت گرفته در کاربری واحدهای مورد مطالعه در کل روستاهای مورد مطالعه

تغییر کاربری		کاربری فعلی زمین		کاربری قبلی زمین		روستاها نوع کاربری
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۹۱/۶۶	۳۳	۹۵/۵۳	۱۷۱	۷۷	۱۳۸	مسکونی
۵۵/۵	۲	۳/۳۵	۶	۴/۵	۸	مسکونی-خدماتی و تجارتي
-	-	-	-	۱۲	۲۱	زراعی
۲/۷۷	۱	۱/۱۱	۲	۰/۵	۱	مسکونی-زراعی
-	-	-	-	۶	۱۱	باغ
۱۰۰	۳۶	۱۰۰	۱۷۹	۱۰۰	۱۷۹	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی

یافته‌ها و بحث

در این بخش روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته مورد آزمون قرار گرفته و نتایج آن به صورت تحلیلی ارائه می‌شود. لازم به ذکر است جهت پاسخ دادن به سوالات و پی بردن به وجود رابطه بین متغیرها با توجه به سطح سنجش و اندازه‌گیری متغیرها از دستورهایی مناسب در نرم‌افزار spss16 استفاده شده است.

با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق حاضر، آزمون‌های آماری کای اسکویر (chi-square) و ضرایب همبستگی خی دو (Q) و ۷ کرایمر وابسته به آزمون کای اسکویر برای تحلیل آماری مناسب بوده و در مورد برخی دیگر از متغیرها از آزمون تفاوت میانگین‌ها (T-test) استفاده شده است. نتایج حاصل بر اساس آزمون‌های فوق‌الاشاره به شرح زیر می‌باشد:

در خصوص بررسی سوال اول که "آیا عمده تغییر کارکردی روستاها از کشاورزی به خدماتی است؟"

با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها (شغل فعلی و شغل قبلی) از آزمون کای اسکویر استفاده شده است که نتایج حاصله به شرح زیر می‌باشد:

$$(\text{chi-square} = 5/03 \quad \text{sig} = 0/000 \quad v = 0/694)$$

با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده که معادل ۰/۰۰۰ است و از آنجایی که این مقدار کمتر از آلفای مورد قبول در تحقیقات است (۰/۰۵)؛ نتایج حاصل از آزمون کای اسکویر نشان می‌دهد که عمده تغییر کارکردی روستاها از کشاورزی به خدماتی است. و نیز شدت همبستگی به‌دست آمده بین این دو متغیر (۰/۶۹۴) حاکی از وجود همبستگی نسبتاً قوی بین این دو متغیر می‌باشد. تدقیق در نتایج مطالعات و بالاخص در خصوص تغییرات صورت گرفته در توزیع درصد شاغلان در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی به تفکیک شغل قبلی و فعلی این واقعیت را نشان داد که درصد شاغلان در بخش کشاورزی چه در خانوارهای بومی و چه در خانوارهای ساکن در خانه‌های دوم کاهش یافته است. این کاهش در خانوارهای ساکن در خانه‌های دوم به‌نفع بخش خدمات و در خانوارهای بومی به‌نفع صنعت و بالاخص خدمات صورت گرفته است.

در مورد سوال دوم که "آیا برخورداری از "خانه دوم" در تغییرات کارکردی روستاها در مقایسه با دیگر کارکردها از تأثیرگذاری بیش‌تری برخوردار است؟"

با توجه به سطح اندازه‌گیری (متغیرهای نوع خانه "خانه دوم" و محل اقامت) از آزمون کای اسکویر استفاده شده است. یافته‌های تحلیلی و آماری تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری که کمتر از آلفای ۰/۰۵ است خانه‌های دوم در تغییرات کارکردی روستاها تأثیرات به‌سزایی دارد. شدت همبستگی نیز حاکی از وجود همبستگی قوی بین دو متغیر فوق است.

$$(\text{chi-square} = 6/745 \quad \text{sig} = 0/000 \quad v = 0/880)$$

همچنان که نتایج مطالعات نشان داد، آن تعداد از مهاجرانی که به‌طور موقت و با هدف گذران اوقات فراغت به روستاها مهاجرت کرده‌اند بیش‌ترین نقش را در تغییر کارکردی روستاها در مقایسه با دیگر کارکردها داشته‌اند. از آنجایی که تعداد کثیری از خانه‌های دوم عمدتاً با تخریب زمین‌های باغی و زراعی (۸۵/۶ درصد) در آن‌ها استقرار یافته‌اند، لذا ساخت

خانه‌های دوم ضمن تحمیل تغییرات عمده بر کاربری اراضی این روستاها، سبب شده‌اند تا بخشی از کارکرد کشاورزی این روستاها به کارکرد تفریحی- فراغتی تبدیل شوند. مقایسه تغییرات صورت گرفته در کاربری اراضی واحدهای خانوارهای بومی (۳۳/۶ درصد) که عمدتاً به کاربری مسکونی اختصاص یافته‌اند با ۸۵/۶ درصد تغییر کاربری اراضی با هدف احداث خانه‌های دوم، تأثیرگذاری بیش‌تر احداث این نوع واحدها را در تغییر کاربری اراضی و به تبع آن تغییر کارکردی روستاها از کارکرد کشاورزی به کارکرد تفریحی- فراغتی را به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر این در صورت مقایسه تعداد خانوارهایی که در شکل‌گیری کارکردهای مختلف و از آن جمله کارکردهای خدماتی، صنعتی، سکونتی- خوابگاهی و یا تفریحی- فراغتی روستاها تأثیرگذار بوده‌اند، معلوم می‌گردد که بیش‌ترین تأثیرگذاری را کارکرد تفریحی- فراغتی (خانه‌های دوم) داشته است، چرا که در مقابل ۴۲/۴ درصد خانوارها (۳۶۸ خانوار ساکن در خانه‌های دوم) که با هدف گذران اوقات فراغت (کارکرد تفریحی- فراغتی) در روستاها اسکان یافته‌اند، روستاها برای تنها ۱۶/۸ درصد خانوارها (۱۴۶ خانوار) نقش و کارکرد خوابگاهی ایفاء می‌کنند.

جهت بررسی سوال سوم "آیا تبعات منفی تحولات صورت گرفته در مقایسه با جنبه‌های مثبت آن بیش‌تر است؟" تغییر کاربری فعلی و قبلی زمین با ارزش فعلی زمین در ارتباط گذاشته شده است و از آزمون کای اسکویر استفاده شده است. نتایج به دست آمده به شرح زیر می‌باشد:

شرح	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
کاربری فعلی زمین	میان گروهی	۱۰۸/۰	۵	۲۱/۶۲۰	۱۰/۵۱۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۷۷۷/۷۹۹	۸۶۵	۲/۰۵۵		
کاربری قبلی زمین	میان گروهی	۲۶۲/۵۲۵	۷	۳۷/۵۰۴	۱۹/۹۳۷	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۶۲۳/۳۷۴	۸۶۳	۱/۱۸۸۱		

نتایج حاصله نشان می‌دهد که ارزش زمین با کاربری فعلی و قبلی زمین رابطه دارد. به دلیل کوچک‌تر بودن به سطح معنی‌داری از آلفای مورد تأیید در کاربری فعلی و قبلی زمین.

لذا نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این است که تغییر کاربری زمین از قبلی به فعلی یعنی از کشاورزی به مسکونی بوده است و این خود باعث افزایش متوسط ارزش زمین در روستاها بوده است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی برخورداری روستاها از کارکردهای مختلفی چون تفریحی-فراغتی، سکونتی-خوابگاهی، خدماتی و صنعتی هرچند تأثیرات مثبتی چون، اشتغالزایی، گسترش جاده‌های ارتباطی مناسب و نیز رشد فزاینده وسایل مکانیزه حمل و نقل، ارتقاء مصالح ساختمانی به کار رفته، ارتقاء سطح سواد و در کل تغییرات ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها را به دنبال داشته است، لیکن تغییرات صورت گرفته در کارکرد روستاها و به‌ویژه کارکرد فراغتی-تفریحی، علاوه بر تخریب زمین‌های زراعی و باغی و به‌طور کلی نابودی فضای سبز، متأسفانه آلودگی رودخانه ليقوان، تخریب چشم‌اندازهای طبیعی و رکود فعالیت‌های کشاورزی را به دنبال داشته است. و نکته قابل ذکر این‌که، از آنجایی که گسترش و ساخت خانه‌های دوم عمدتاً به‌صورت خودجوش و فاقد نظارت و کنترل انجام گرفته است، لذا میزان تخریب متأسفانه بسیار بالاست. علاوه بر این، ساخت خانه‌های دوم در امتداد دره ليقوان، بدون شناخت ویژگی‌ها و دینامیک محیط طبیعی و نیز انجام ساخت و ساز در بستر رودخانه، علاوه بر فرسایش کناری رودخانه، موجبات مسدود و محدود کردن مسیر جریان رود را فراهم کرده است. به‌گونه‌ای که به هنگام بارش‌های شدید و سیلابی شدن رودخانه متأسفانه منجر به تخریب وسیع و تلفات جانی و مالی فراوانی می‌گردد. رواج سوادگری زمین و خارج شدن زمین‌های کشاورزی از چرخه تولید به طمع فروش زمین به قیمت بالاتر نیز از جمله تبعات تغییرات کارکردی روستاها بوده است. علاوه بر افزایش قیمت زمین در محل ایجاد خانه‌های دوم، سیر صعودی قیمت زمین‌های واقع در بافت سنتی روستاهای مورد مطالعه موضوع دیگری است که بسیار چشمگیر می‌باشد. بدیهی است به موازات گران شدن زمین و مسکن در روستاها و عدم استطاعت خرید زمین و یا خانه‌های گران‌قیمت از طرف

روستائیان، شهرنشینان به تدریج جایگزین آن‌ها شده و در نهایت زمین‌های بی‌هویتی روستاها را فراهم خواهند کرد.

راهکارهای پیشنهادی

۱- ایجاد فرصت‌های شغلی در روستاهای مورد مطالعه. ۲- ایجاد مدیریت منسجم و یکپارچه در روستاهای مورد مطالعه. فقدان این امر موجب شده است تا در برنامه‌ریزی و توسعه روستاها توفیق چندانی حاصل نگردد. تشکیل سازمان‌های محلی قانونمند و سپردن مسئولیت و اختیارات به آن‌ها می‌تواند اولین قدم در این انتقال مدیریت باشد. ۳- ممانعت از هرج و مرج و بی‌بندباری در توسعه کالبدی کلان‌شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه. با رفع تناقضات و نارسایی‌های موجود در ضوابط و مقررات جاری و تدوین ضوابط و مقررات دقیق‌تر در امر کاربری اراضی و نحوه تغییرات آن می‌توان تا حدودی از تغییرات کاربری ممانعت کرد. ۴- پیشگیری از ادغام روستاهای مورد مطالعه به کلان‌شهر تبریز. ۵- بررسی و تحلیل واقع‌بینانه روابط متقابل کلان شهر تبریز و روستاهای حوزه نفوذ آن. برای رهایی از ارتباط نامعقول شهر و روستا باید نظام مدیریت شهری و نظام مدیریت روستایی متوازن با همدیگر و در ارتباط با یکدیگر تدوین گردند تا جوابگوی مسائل اجتماعی، اقتصادی و حتی کالبدی آن‌ها باشند. ۶- برای جلوگیری از بورس‌بازی زمین و ساخت و سازهای بی‌رویه و در نهایت برای پیشگیری از نابودی زمین‌های زراعی و باغات واقع در حد فاصل کلان‌شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه بالاخص روستای کرکج و کندرود، خرید زمین‌ها از طرف دولت و تبدیل آن‌ها به فضاهای سبز و تفرجگاهی می‌تواند به‌عنوان یک گزینه انتخاب شود.

منابع

- بحرینی، سیدحسین (۱۳۸۱)، «برنامه‌ریزی محیطی برای توسعه زمین»، انتشارات دانشگاه تهران.
- تودارو، م. (۱۳۷۹)، «توسعه اقتصادی در جهان سوم»، ترجمه دکتر فرجادی، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، انتشارات بازتاب.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲)، «تحلیل روند ایجاد گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۵، دانشگاه تهران.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و ایزدی‌خرامه، حسن (۱۳۸۰)، «بررسی تصبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی (UFRD) و مدل‌های تخصیص مکانی (LA)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۶، شماره ۳، صص ۳۰-۶۶.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۶۹)، «توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶، صص ۲۴-۵۳.
- سلیمانی، محمد (۱۳۸۱)، «دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی: بررسی موردی (الوند-البرز)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۷، شماره پیاپی ۶۵-۶۶ صص ۱۲۷-۱۵۰.
- شکویی، حسین (۱۳۷۹)، «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، انتشارات سمت، تهران.
- صدرموسوی، میرستار (۱۳۸۲)، «سیاست‌های توسعه و اشتغال در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه»، نشریه فضای جغرافیایی، سال سوم شماره ۱۰، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- فرید، یداله (۱۳۷۹)، «سناخت‌شناسی و مبانی جغرافیای انسانی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند.
- مهدوی حاجیلویی، م، مجتبی قدری، م، سنایی، م. (۱۳۸۷)، «نقش و تأثیر خانه‌های دوم بر ساختار اقتصادی، اجتماعی ناحیه کلاردشت»، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۵، دانشگاه تهران.
- نظری، عبدالحمید (۱۳۷۷)، «بررسی گسترش فیزیکی-کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی، تغییر کاربری اراضی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۴۹ و ۵۰، صص ۲۲۵-۲۴۱.

- نظریان، اصغر (۱۳۷۰)، «گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱، صص ۱۱۷-۱۲۴.
- نتایج سرشماری نفوس و مسکن، (۱۳۷۵)، مرکز آمار ایران.
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، (۱۳۸۵)، مرکز آمار ایران.
- واحد آمار مرکز بهداشت شهرستان تبریز، (۱۳۸۵).
- Berry, B.J.L, (1979), "*The Counterurbanization Process: Urban America since 1970*", in B.J.L. Berrly (ed), *Urbanization and Counterurbanization*, Sage Publications, Beverly Hills: 17-30.
- Bonnamour, J, (1973), "*Geographic rurale .Methodes et perspectives du geographie applicable*", Masson Paris, p 25.
- Daniels, T. Daniels, (1999), "*When City and Country Collide: Managing Growth in the Metropolitan Fringe*", Island Press, Washington, DC.
- Dieter K. Muler (2002), "Second home ownership and sustainable Development in Northern Sweden", *Tourism and Haspitality Research*, Vol.3 Number4,ABI/Inform Global,p 343-355.
- Hall. C.M, and Page, S.J. (2002), "*The Geography of Tourism and Creation*", Routledge, Second edition, p-339.
- Liu et al., J. Liu, G.C. Daily, P.R. Ehrlich and G.W. Luck, (2003), "Effects of household dynamics on resource consumption and biodiversity", *Nature*, 4216922, pp. 530-533.
- Ozguc. N, (2003), "*Turizm Cografyasi, ozellikler ve bolgeler*", 4 baski: Cantay kitapevi.
- Pacion, M. (1985), "*Rural Geography*", Harpper and Row publishers, PAIII. R.F. (1965a). OP. cit. P. 75.
- Rudzitis, G. Rudzitis, (1999), "Amenities increasingly draw people to the rural west", *Rural Dev. Perpect.*, 14 2 (1999), pp. 9-13.
- Tumertacin, E,ozguc, N. (2004), "*Beseri Cografya (insan, Kultur, Nekan)*", Cantay. Yay.